

## مدیران و خشنودی شغلی معلمان

بررسی رضایت شغلی مدیران و عملکرد شغلی معلمان بررسی شده است.

جامعه‌ی آماری این تحقیق را مدیران ۳۰ مدرسه‌ی ابتدایی نواحی ۱ و ۲ شهرستان اردبیل تشکیل داده‌اند که به روش نمونه‌گیری تصادفی هندسی انتخاب شده‌اند. نتیجه‌ی به دست آمده بیانگر این است که اغلب مدیران مدارس ابتدایی از حرفه‌ی خودشان رضایت دارند. رضایت شغلی مدیران مدارس، روحیه‌ی آنان را بالا می‌برد و موجب می‌شود که در برخورد با معلمان و کارکنان مدرسه، در امر برنامه‌ریزی، مدیریت و اجرای امور مدرسه، به نیازهای آنان توجه کنند و در ارضای آن‌ها بکوشند. این امر، روحیه‌ی مثبت معلمان را افزایش می‌دهد و موجب بالا رفتن کارایی و بهبود عملکرد آنان می‌شود.

بررسی رضایت شغلی مدیران، مخصوصاً مدیران مدارس، همان قدر اهمیت دارد که بررسی رضایت شغلی کارکنان. مدیران درست مانند دیگر مردمان دارای نیازهایی انسانی هستند. اگر ناراضی باشند، ناراضی‌اتی آن‌ها می‌تواند در سراسر سازمان پراکنده شود. زیرا وسعت و گسترش نفوذ و تأثیر مدیران در سازمان بیش از دیگران است. «بررسی تأثیر خشنودی شغلی مدیران مدارس ابتدایی بر کارایی شغلی معلمان در مدارس ابتدایی اردبیل» عنوان پژوهشی است که توسط آقای رضا مظفری، کارشناس ارشد مدیریت آموزشی و معاون پرورشی «مرکز آموزشی شهید بهشتی اردبیل»، انجام شده است. در این پژوهش که یک تحقیق هم‌خوانی است، ابتدا به توصیف نحوه‌ی رضایت شغلی مدیران مدارس ابتدایی پرداخته شده و سپس رابطه‌ی

## مدیران و مدیریت مدرسه محور

داده است.

در این پژوهش، سه مؤلفه‌ی مدرسه محوری، یعنی «مشارکت»، «تفویض اختیار» و «تغییر و تحول» در نظر گرفته شده‌اند و طی پرسش‌نامه‌ای نظرات ۱۲۵ نفر از مدیران مدارس متوسطه‌ی دولتی نواحی چهارگانه‌ی شیراز در خصوص این مؤلفه‌ها دریافت و بررسی شده است. این تعداد به عنوان نمونه‌ی آماری، میان ۲۳۰ نفر کل جامعه‌ی آماری مدیران مدارس دولتی شیراز به صورت تصادفی طبقه‌ای گزینش شده بودند.

نتیجه‌ی به دست آمده حاکی از این است که میزان آمادگی مدیران نسبت به مشارکت‌پذیری، تفویض اختیار و تغییر و تحول برای اجرای مدرسه محوری، در حد  $P < 0/0001$  معنی‌دار است. به این معنی که مدیران به طور متوسط این آمادگی را دارند که الگوی مدیریت مدرسه محور را در آموزشگاه خود اجرا کنند. (میزان آمادگی مدیران و مشارکت‌پذیری آن‌ها ۴۹/۶٪، میزان آمادگی مدیران و تفویض اختیار آن‌ها ۴۰/۱٪ و میزان آمادگی مدیران و تغییر و تحول ۵۰/۵٪). بین میزان آمادگی مدیران و متغیرهای مکمل، یعنی جنیست، تأهل، تحصیلات، سوابق خدمتی و مدیریتی، ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. یعنی در اجرای مدیریت مدرسه محوری، متغیرهای مکمل هیچ تأثیری ندارند و تمامی مدیران با هرگونه تحصیلات و سوابق خدمتی و مدیریتی و هر نوع جنیستی، برای اجرای این الگو آمادگی یکسانی دارند.

هر الگوی جدیدی که برای اصلاحات نظام آموزشی پیشنهاد می‌شود، لازم است مبنای علمی داشته باشد. «مدیریت مدرسه محور» نیز الگویی نو و جدید در کشورمان است که باید از جنبه‌های گوناگون به صورت علمی و استاندارد مورد پژوهش قرار گیرد.

«بررسی میزان آمادگی مدیران مدارس متوسطه‌ی دولتی شهر شیراز جهت اجرای مدیریت مدرسه محور به منظور ارائه‌ی یک الگوی مناسب اجرایی» عنوان پژوهشی است که آقای سید محسن سیاحی، کارشناس ارشد مدیریت آموزشی و مدیر «دبیرستان شاهد شیراز» انجام

